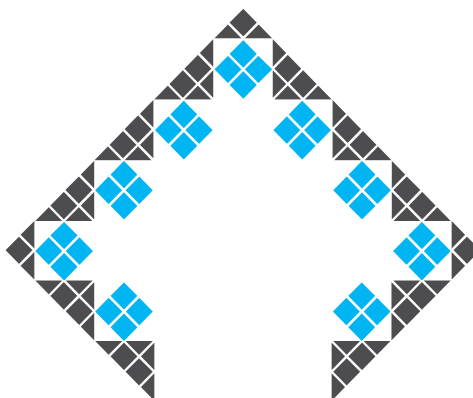


واکاوی رهیافت‌های پیشگیری وضعی از وقوع جرایم جنسی در قرآن کریم با تأکید بر محدود کردن زمینه ارتکاب جرم



حجت‌الاسلام و المسلمین احمد رضا پورخاقان شاه‌رضایی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و مدرس حوزه و دانشگاه
چکیده

از منظر قرآن کریم یکی از راهکارهای پیشگیری از وقوع جرایم جنسی پرهیز از قرار گرفتن در شرایطی است که می‌تواند زمینه‌ساز گرایش به روابط نامشروع جنسی را فراهم آورد. در واقع خداوند متعال با نهی کردن افراد از نزدیک شدن به فحشا، اقدام به نوعی پیشگیری وضعی در رابطه با مفاسد اخلاقی نموده است. پیشگیری وضعی از طریق راهکارهای متعددی به کاهش جذابیت آماج جرم و جاذبه‌زدایی از آن و نامناسب جلوه دادن وضعیت، به کاهش وقوع جرم می‌پردازد.

در قرآن کریم آیات بسیاری به پیشگیری وضعی از وقوع جرایم جنسی اختصاص داده شده است. به عنوان مثال آیه ۱۵۱ سوره مبارکه انعام اشعار می‌دارد: «... وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ...» «...و به کارهای زشت چه پنهان و چه آشکارا نزدیک مشوید...»، حکایت از ضرورت محدود کردن زمینه ارتکاب جرم در جرایم جنسی دارد.

این مقاله با روش مطالعه کتابخانه‌ای به صورت توصیفی به ابعاد مختلف محدود کردن زمینه ارتکاب جرم شامل ممنوعیت نزدیک شدن به فحشا، حرمت خلوت با اجنبه، پرهیز از ملاقات مستقیم، پرهیز از وسوسه‌های شیطانی، توسل به نماز و نهی از منکر پرداخته است و اثبات می‌کند که محدود کردن زمینه ارتکاب جرم به عنوان راهکاری پیشگیرانه از وقوع جرایم جنسی تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: پیشگیری وضعی، قرآن کریم، فحشا، جرایم جنسی



درآمد

از آنجا که شهوت جنسی به منظور حفظ نسل انسان فطرتاً در درون او نهادینه شده و به تعبیر بهتر ما رابطه مشروع جنسی بین دو جنس مخالف داریم که آموزه‌های دینی بر آن تأکید دارند، فلذا اسلام راجع به آن با حساسیت بیشتری وارد شده است؛ به عنوان مثال چون ما شرک یا کفر مقدس نداریم، در قرآن کریم به صراحت از شریک قائل شدن برای خداوند نهی نموده است: «... اینکه به خدا مشرک نشوید...» و یا چون قتل فرزند در هر شکل و نوع ناپسند است خداوند به صراحت از آن نهی کرده است: «... و از بیم درویشی فرزندان خود را مکشید...»؛ اما در خصوص فحشا، «... به کارهای زشت چه پنهان و چه آشکارا نزدیک مشوید...» که مصداق بارز آن زنا می‌باشد، «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً...» نه تنها از انجام آن فعل مخاطب را نهی می‌کند، بلکه از نزدیک شدن به آن نیز بر حذر داشته است؛ زیرا کفر به صورت مقدس و نوع مشروع در انسان وجود ندارد، بنابراین فطرت انسان تمایل به شرک و کفر ندارد و اصل در انسان توحید است و زمانی مشرک می‌گردد که زنگار دوری از خدا و تبعیت از شیطان بر قلب او سایه افکند، فلذا چه بسا انسان تا آستانه کفر پیش برود؛ اما کافر نشود، چون درون او هیچ گرایشی برای کافر شدن وجود ندارد، مگر اینکه خود آن را ایجاد کرده باشد و این چنین است کشتن فرزند، چون انسان فطرتاً فرزند دوست است؛ اما در خصوص روابط نامشروع جنسی چنین نیست. چون گرایش به جنس مخالف به صورت غریزی و فطری در وجود انسان نهادینه شده است، وی در هر لحظه

در معرض جذب شدن به طرف مقابل است و اگر در موقعیتی قرار بگیرد که زمینه این جذب وجود داشته باشد و به اصطلاح مقتضی موجود باشد و مانع مفقود، سریع‌تر از سایر گناهان گرفتار آن می‌شود، چون همان‌گونه که عرض شد پایگاه مشروع و قانونی برای وی در وجودش قرار داده شده است. به تعبیر ساده‌تر ما چون ارتباط جنسی مشروع داریم که با اجرای خطبه عقد و ازدواج حاصل می‌شود، لاجرم انسان نسبت به نوع نامشروع آن نیز خواسته یا ناخواسته گرایش دارد، مگر آنکه در خود مبانی مبارزه با این گرایش را تقویت کرده باشد که بعداً به آن اشاره می‌کنیم. پس حال که دانستیم غریزه حیوانی انسان حکم می‌کند که دو جنس مخالف نسبت به یکدیگر میل اولیه و بالذات داشته باشند، لازم است از در معرض خطر قرار گرفتن نیز بر حذر باشند. در خصوص رابطه دو جنس مخالف نیز هر چه موانع فیزیکی و ایمانی کمتر باشد، این جذب زودتر انجام می‌شود ولو آنکه ابتدا هیچ قصد و غرضی برای آن نبوده باشد. لذا اسلام با درکی صحیح از غرایض و خواسته‌های انسانی به منظور پیشگیری وضعی، انسان را از قرار گرفتن در مکان‌هایی که می‌تواند منجر به برقراری رابطه نامشروع جنسی گردد بر حذر داشته و تأکید کرده است حتی نزدیک چنین مسائلی نروید که هر آن امکان دارد گرفتار مغناطیس آن شوید و شاید از همین باب است که فقها نفس خلوت با اجنبیه را حرام دانسته‌اند.

۱- ممنوعیت نزدیک شدن به فحشا
در خصوص معنای فواحش و تعیین مصادیق آن، ذیل آیه ۱۵۱ از سوره مبارکه انعام در تفسیر نمونه چنین آمده

است: «فواحش جمع فاحشه به معنی گناهای است که فوق‌العاده زشت و تنفرآمیز است؛ بنابراین پیمان شکنی و کم‌فروشی و شرک و مانند اینها اگرچه از گناهان کبیره می‌باشند، ولی ذکر آنها در مقابل فواحش به خاطر همان تفاوت مفهوم است» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۶: ۳۴).

سپس در ادامه راجع به مثال مآظهر و ما بطن چنین آورده است: «شک نیست که جمله «...مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ...»، هرگونه گناه زشت آشکار و پنهانی را شامل می‌شود، ولی در بعضی از احادیث از امام باقر(ع) نقل شده که فرمود: «ما ظهر هو الزنا و ما بطن هو المخالعه» منظور از گناه آشکار زنا و منظور از گناهان پنهان، گرفتن معشوقه‌های نامشروع پنهانی و مخفیانه است» (همان: ۳۵).

همچنین در تفسیر مجمع‌البیان چنین آمده است: «ابن عباس و ضحاک و سدی گویند: آنها (اعراب جاهلی) زنا و پنهانی را گناه نمی‌دانستند و از زنا آشکار منع می‌کردند. خداوند از هر دو منع کرد. قریب به همین مضمون از امام باقر(ع) نقل شده است که گناه آشکار زنا و گناه پنهان روایت دوستی است» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۰) و در تفسیر جوامع‌الجامع به نقل از امام باقر (ع) آمده: «گناه ظاهری زنا و گناه باطنی رابطه نامشروع میان دو اجنبی است» (همان: ۲۷۸).

همچنین در تفسیر نمونه در ذیل آیه ۳۲ از سوره مبارکه اسراء «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ...» چنین آمده است: «نمی‌گویند زنا نکنید، بلکه می‌گویند به این عمل شرم‌آور نزدیک نشوید. این تعبیر علاوه بر تأکیدی که در عمق آن نسبت به



۲- حرمت خلوت با اجنبه

از آنچه گذشت ملاحظه می‌گردد هر اقدامی که زمینه تحریک جنسی را فراهم آورد و موجب شود انسان به گناه بیفتد، از منظر اسلام ناپسند و منتهی‌عنه است و حتی حرام می‌باشد و در یک نگاه کلی می‌توان هر اقدامی را که از طرف دو جنس مخالف موجب چنین تحریکی شود و یا مقدمه‌ای بر تحریک باشد مطرود دانست و افراد باید به شدت از آن اجتناب کنند. از نازک کردن صدا گرفته «... پس به نرمی سخن مگویید...»^(۴) (سوره احزاب، آیه ۳۲)؛ تا استفاده از بوی خوش (پیامبر خدا فرمودند: هر زنی که عطر بزند و بیرون رود و بر کسانیکه بگذرد که بوی او را دریابند، زنا کار است)^(۵) (نهج الفصاحه، ۱۳۸۹: ۱۸۰) و تا نگاه به نامحرم (پیامبر اکرم در ادامه روایت قبل می‌فرماید: و هر چشم «ناپاک» زنا کار است)^(۶) (همان) و بالاخره تا خلوت با اجنبیه. در این خصوص در کتاب طرائف الحکم به نقل از کتاب النکاح وسائل الشیعه چنین آمده است: «خلوت مرد با زن اجنبیه جایز نیست و از امام صادق (ع) روایت شده است در آن اموری که رسول خدا (ص) از زنان بیعت گرفت آن است که با مردان در خلوت ننشینند (زن با مرد نامحرم در مکانی که شخص سومی نباشد ننشیند) و از امام موسی کاظم (ع) از رسول خدا (ص) روایتی آمده که فرمود: کسی که بر خدا و روز قیامت ایمان آورده در مکانی که صدای نفس زن نامحرم را می‌شنود نمی‌خواهد» (آشتیانی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۱۴۳).

در این خصوص فقهاء عظام شیعه البته با مقداری اختلاف نظر در شرایط، قائل به حرمت خلوت زن و مرد نامحرم با

خود این عمل نهفته شده، اشاره لطیفی به این (مطلب) است که آلودگی به زنا غالباً مقدماتی دارد که انسان را تدریجاً به آن نزدیک می‌کند. چشم‌پیرانی یکی از مقدمات آن است، برهنگی و بی‌حجابی مقدمه دیگر، کتاب‌های بدآموز و فیلم‌های آلوده و نشریات فاسد و کانون‌های فساد هر یک مقدمه‌ای برای این کار محسوب می‌شود. همچنین خلوت با اجنبیه یعنی بودن مرد و زن نامحرم در یک مکان خالی و تنها عامل وسوسه‌انگیز دیگری است، بالاخره ترک ازدواج برای جوانان و سختگیری‌های بی‌دلیل طرفین در این زمینه همه از عوامل «قرب به زنا» است که در آیه فوق با یک جمله کوتاه همه آنها را نهی می‌کند» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۱۰۳-۱۰۲) و در تفسیر البحر المدید که از اهل سنت می‌باشد چنین معنایی برای لاتقربوا آمده است: «لا تقربوا الزنی، نهی کرده است از نزدیک شدن به آن با انجام مقدمات، مانند اراده و نگاه (به نامحرم) و مانند اینها»^(۱) (ابن عجبیه، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۹۷) و در تفسیر ابن کثیر نیز چنین آمده: «خداوند متعال این مطلب را بیان کرده، در حالی که نهی نموده ایشان را از زنا، و از نزدیک شدن به آن و آمیخته شدن به مقدمات آن و انگیزه‌هایش (کارهایی که منجر به زنا می‌شود)»^(۲) (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹، ج ۵: ۶۶).

و از نظر اصطلاحی نیز فواحد بیشتر دلالت بر زنا دارد. در این خصوص در لسان العرب به نقل از ابن اثیر این گونه آمده است: «بسیار زیاد فاحشه به معنای زنا به کار برده می‌شود و زنا فاحشه نامیده می‌شود»^(۳) (ابن منظور، بی‌تا، ج ۶: ۳۲۶).

یکدیگر شده‌اند. مرحوم امام خمینی (ره) به طور مطلق در مسئله ۸۸۹ از رساله محشی می‌فرماید: «بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۹۷).

لازم به ذکر است نظر قبلی ایشان به شرح مندرج در رساله عملیه معظم له که مربوط به قبل از انقلاب است و تاریخ چاپ ندارد آن را مکروه دانسته‌اند: «بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت مکروه است و احتیاط شدید در ترک آن است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۴۴) و آیت الله اراکی می‌فرماید: «بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست» (اراکی، ۱۳۷۲: ۱۶۴) و آیات عظام گلپایگانی و صافی می‌فرمایند: «بودن مرد و زن نامحرم در اتاقی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمی‌تواند وارد شود حرام است» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۹۸) و آیات عظام خوئی و نوری همدانی با اضافه کردن قید احتمال وقوع معصیت آن را حرام دانسته‌اند. ایشان می‌فرمایند: «بودن مرد و زن نامحرم در جایی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمی‌تواند وارد شود در صورتی که احتمال وقوع در معصیت را بدهد حرام است» (همان) و آیت الله زنجانی چنین فتوا داده: «[بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت] حرام، بلکه در صورتی که چنین احتمالی [احتمال وقوع معصیت] را هم ندهد بنابر احتیاط حرام است» (همان) و آیت الله مکارم در این خصوص آورده: «بودن مرد با زن نامحرم در جای خلوت که دیگری نمی‌تواند به آنجا وارد شود اشکال دارد و احتیاط واجب ترک آن است» (همان).



۳- پرهیز از ملاقات مستقیم

با توجه به تأثیری که ارتباط مستقیم دو جنس مخالف می‌تواند روی اخلاق و رفتار ایشان داشته باشد خداوند مردم را از مواجهه مستقیم و بی‌واسطه حتی با زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نهی کرده و در سوره احزاب فرموده: «...وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...» (سوره احزاب، آیه ۵۳)؛ «و چون از زنان پیامبر چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید. این کار، هم برای دل‌های شما و هم برای دل‌های آنها پاکیزه‌تر است...».

مرحوم علامه طباطبایی سؤال راجع به متاع را کنایه از هم‌صحبتی با زنان پیامبر (ص) دانسته و چنین آورده است: «ضمیر «هن» به همسران رسول خدا (ص) بر می‌گردد، و در خواست متاع از ایشان، کنایه است از اینکه مردم با ایشان درباره حوائجی که دارند سؤال کنند، و معنایش این است که اگر به خاطر حاجتی که برایتان پیش آمده، ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب صحبتی بکنید، از پس پرده صحبت کنید» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۰۶).

البته این حکم بنا بر آنچه در تفسیر نمونه آمده مخصوص زنان پیامبر (ص) است و اسلام به زنان مسلمانان دستور پرده‌نشینی نداده و آنچه درباره زنان مسلمانان لازم است داشتن همان پوشش اسلامی است. ولی زنان پیامبر (ص) به خاطر وجود دشمنان فراوان و عیب جوین مغرض چون ممکن بود در معرض تهمت‌ها قرار گیرند و دستاویزی به دست سیاه‌دلان

بیفتد این دستور خاص به آنها داده شد (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۴۰۳).

اما آقای قرائتی در تفسیر نور مفاد این آیه را مربوط به همه زنان مسلمان دانسته و چنین آورده: «خطاب‌هایی که در این آیه درباره زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است در حقیقت مربوط به همه زنان مسلمان است به دلیل «أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» که خداوند درباره هر زن و مرد پاکدلی می‌خواهد» (قرائتی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۳۹۰).



فطرت انسان تمایل به شرک و کفر ندارد و اصل در انسان توحید است و زمانی مشرک می‌گردد که زنگار دوری از خدا و تبعیت از شیطان بر قلب او سایه افکند، فلذا چه بسا انسان تا آستانه کفر پیش برود؛ اما کافر نشود، چون درون او هیچ گرایشی برای کافر شدن وجود ندارد، مگر اینکه خود آن را ایجاد کرده باشد.



ایشان در خصوص درس‌هایی که از این آیه می‌توان گرفت چنین آورده است: «در نحوه ارتباط زنان و مردان باید محور کارها تقوا و پاکدلی باشد. نگاه نامحرمان به یکدیگر در دل آنها تأثیرگذار است. حجاب به نفع زن و مرد هر دو است» (همان: ۳۹۲-۳۹۳).

در تفسیر مجمع‌البیان علت واسطه حجاب را چنین بیان می‌کند: «ذَلِكُمْ» یعنی سؤال شما متاع و چیزی که به آن

محتاج هستید از پشت پرده و حجاب باشد. «أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (این عمل) پاک‌تر است برای دل‌های شما و دل‌های ایشان از ریه و از هوس‌های شیطانی که مردها را می‌خواند و تحریک می‌کند به سوی زن‌ها و زنان را مایل می‌کند به سوی مردها» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲۰: ۱۶۳).

از آنچه گذشت درمی‌یابیم از نظر اسلام نه تنها ارتباط نامشروع حرام و ناپسند است، بلکه قرار گرفتن در مسیری که به چنین ارتباطی ختم می‌شود نیز ممنوع و حرام است و بر این اساس افراد را از اختلاط با یکدیگر منع کرده است.

۴- نماز راه دوری از فحشا و منکرات

«اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (سوره عنکبوت، آیه ۴۵)؛ «هر چه را از این کتاب بر تو وحی شده است تلاوت کن و نماز بگزار، که نماز آدمی را از فحشا و منکر باز می‌دارد و ذکر خدا بزرگتر است و خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است».

از منظر قرآن کریم یکی از راهکارهای اساسی برای خودداری از واقع شدن در فحشا و منکرات اقامه نماز است. یعنی خواندن نماز با توجه به معنی و مفهوم آن. در خصوص تأثیر نماز بر رفتار انسان در اطیب‌البیان چنین آمده است: «وجه اینکه نماز ناهی از فحشا و منکر است، این است که اگر توجه به کلمات نماز و افعال آن و آداب و شرایط آن بیشتر باشد جلوگیری آن زیادتر می‌شود. چنانچه امروز با لحس و العیان مشاهده می‌کنیم که اهل نماز از بسیاری از منکرات و فحشاء دوری می‌کنند. زن‌های آنها با حجاب و عفت و حیا و



مردان آنها از زنا و لواط و ساز و آواز و [سینما] و شراب و مجالس فحشا اجتناب می‌کنند و تارکین نماز از هیچ‌گونه فحشا و منکرات و تباهی روی گردان نیستند و باک ندارند مگر اینکه مانعی جلوگیری آنها باشد» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۳۱) و در انوار درخشان چنین آمده است: «مداومت به اداء فرائض یومیه مستلزم طهارت از جنب و حدث و احتراز از غصب مکان و لباس هنگام اداء فرائض می‌شود و نیز استقبال به سوی کعبه و چنانچه مسلمانان پیوسته مداومت به اداء فرائض بنمایند به طور حتم در افکار و اندیشه و رفتار افراد و اجتماع تأثیر بسزایی خواهد داشت و سبب التزام به تقوی و خویش‌نهادی و پرهیز افراد از گناهان می‌شود و در نتیجه در اجتماع نیز اثر خواهد گذارد ... و تعریف اداء فرائض یومیه به اینکه انسان را باز می‌دارد از قبایح و گناهان استفاده می‌شود. چنانچه با التزام به اداء فرائض اقدام به قبایح نموده و مرتکب گناهان شود در حقیقت فرائض یومیه را ادا ننموده، بلکه به هیئت نمازگزار خود را درآورده» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۲: ۳۵۳).

مرحوم علامه طباطبایی در پاسخ به این سؤال که اگر نماز انسان را از ارتکاب فحشا و منکر باز می‌دارد چرا ما افرادی را می‌بینیم که نماز می‌خوانند ولی مرتکب فحشا و منکرات نیز می‌گردند؟ پس از بیان اقوال مختلف چنین پاسخ می‌دهند: «حق در جواب همان است که گفتیم بازداري از گناه اثر طبیعی نماز است. چون نماز توجه خاصی است از بنده به سوی خدای سبحان، لیکن این اثر تنها به مقدار اقتضاء است، نه علیت تامه، تا تخلف نپذیرد، و نمازگزار دیگر

نتواند گناه کند، نه، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است، یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد اثر خود را می‌بخشد، و نمازگزار را از فحشاء باز می‌دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلوی اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی‌کند، و در نتیجه نمازگزار آن کاری که انتظارش را از او ندارند می‌کند، خلاصه یاد خدا و موانعی که از اثر او جلو می‌گیرند، مانند دو کفه ترازو هستند، هر وقت کفه یاد خدا چربید، نمازگزار گناه نمی‌کند، و هر جا کفه آن موانع چربید کفه یاد خدا ضعیف می‌شود، و نمازگزار از حقیقت یاد خدا منصرف می‌گردد، و گناه را مرتکب می‌شود» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۲۰۱).

اسلام با درکی صحیح از غرایض و خواسته‌های انسانی به منظور پیشگیری وضعی، انسان را از قرار گرفتن در مکان‌هایی که می‌تواند منجر به برقراری رابطه نامشروع جنسی گردد بر حذر داشته و تأکید کرده است حتی نزدیک چنین مسائلی نروید که هر آن امکان دارد گرفتار مغناطیس آن شوید و شاید از همین باب است که فقها نفس خلوت با اجنبیه را حرام دانسته‌اند.

«هر آینه آدمی را حریص و ناشکیبا آفریده شده، چون شری بدو رسد بی‌قراری کند، و چون مالی به دستش افتد بخل می‌ورزد، مگر نمازگزارندگان،

آنان که به نماز مداومت می‌ورزند»^(۷) (سوره المعارج، آیات ۲۳-۱۹). قطعاً دائم در نماز بودن به آن معنی نیست که انسان ۲۴ ساعته در حال رکوع و سجود باشد، بلکه بر نتیجه و بازتاب نماز در زندگی انسان دلالت دارد؛ یعنی نمازگزار واقعی آن کس است که در روابط اجتماعی‌اش نیز عبودیت را و حضور خدا را حس کند و قطعاً چنین فردی مرتکب فحشا و منکرات نخواهد شد؛ «و کسانی که شرمگاه خویش نگه می‌دارند»^(۸) (همان، آیه ۲۹).

اضافه می‌کنم آن‌قدر تأثیر نماز در دوری از فحشا و منکرات عظیم است که خداوند متعال در سوره مبارکه مریم علت گرایش به شهوات و انحرافات اخلاقی را ضایع ساختن نماز بیان نموده و در آنجا پس از اشاره به سرگذشت تعدادی از پیامبران مانند حضرت زکریا، یحیی، عیسی، ابراهیم، اسماعیل و موسی علیهم‌السلام و یادآوری صفات برجسته و سفارشات ایشان و پس از آنکه اعلام می‌کند خداوند بر ایشان نعمت را به اتمام رسانید به سرنوشت آیندگان و برخی از جانشینان آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: «سپس کسانی جانشین اینان شدند که نماز را ضایع گذاشتند (نمودند) و پیرو شهوات گردیدند و به زودی به غی (گمراهی) خواهند افتاد»^(۹) (سوره مریم، آیه ۵۹).

در تفسیر المیزان چنین آمده است: «به جای آنان که خدا انعامشان کرده بود و طریقه‌شان خضوع و خشوع برای خدای متعال بود و همواره با عبادت متوجه او می‌شدند قومی آمدند و قائم‌مقام ایشان شدند که آنچه را از آنان گرفتند؛ یعنی نماز و توجه عبادی به سوی خدای سبحان را ضایع کرده و در آن



سهل انگاری کردند، بلکه به کلی از آن اعراض نمودند و در عوض شهوات را پیروی کردند و در نتیجه همان شهوات ایشان را از مجاهده در راه خدا و توجه به او مانع گردید» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۰۴).

۵- پرهیز از وسوسه‌های شیطانی

بدون شک شیطان به نص صریح قرآن، دشمن قسم خورده بنی آدم است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (سوره فاطر، آیه ۶)؛ «شیطان دشمن شماست. او را دشمن گیرید. او فرمانبران خویش را فرا می خواند تا همه از دوزخیان باشند» و در جای دیگر می فرماید: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (سوره یاسین، آیه ۶۰)؛ «ای فرزندان آدم، آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید؛ زیرا دشمن آشکار شماست؟» و خداوند متعال در آیات مختلفی با یادآوری این واقعیت، دشمنی شیطان و مکر و حيله او را متذکر گردیده و انسان را از پا گذاشتن در جای پای شیطان نهی نموده است. آیه ۲۱ از سوره مبارکه نور به صراحت اعلام می دارد که شیطان انسان را به فحشا و منکرات فرمان می دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره نور، آیه ۲۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، پای به جای شیطان مگذارید و هر که پای به جای شیطان گذارد، بدانند که او به فحشا و منکر فرمان می دهد و اگر فضل

و رحمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است نمی بود، هیچ یک از شما هرگز روی پاکی نمی دید. ولی خدا هر کس را که بخواهد پاکیزه می سازد و خدا شنوا و داناست». خطوه در لغت به معنای گام و فاصله بین دو قدم می باشد؛ (ابن منظور، بی تا، ج ۱۴: ۲۳۱)؛ بنابراین چنین استنباط می گردد که شیطان متناسب با میزان ایمان افراد برای انحراف ایشان از حيله‌های مختلف استفاده می کند و برای فریب افراد گام به گام وارد می شود. به عنوان مثال هرگز انسان عابد را دعوت به زنا نمی کند، اما با توجیه، نگاه کردن به زن نامحرم را برای او مباح و حتی بعضاً لازم جلوه می دهد؛ مثلاً به او القاء می کند که تو برای آنکه بتوانی در قضاوت خود دقیق باشی باید شخصاً فلان فیلم مستهجن را مشاهده کنی ... و شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته نمود»^(۱۷) (سوره انعام، آیه ۴۳) و کم کم این فیلم و امثال آن راه عادی شدن و حساسیت زدایی را در انسان تسهیل می کند. فلذا در آیه ۲۱ از سوره مبارکه نور خداوند می فرماید: هر کس از گام‌های شیطان پیروی کند او فرمان به کارهای ناشایست و منکر می دهد. فلذا خداوند متعال برای جلوگیری از آلوده شدن به فحشا و منکرات آنها را از تسلیم شدن در مقابل وسوسه‌های گام به گام شیطان بر حذر می دارد. اسلام حتی مرد را از نشستن بر جایی که زن نشسته و هنوز گرم است بر حذر می دارد. امام صادق علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید: «هرگاه زن از جایی که نشسته برخاست مردی به جای او نشیند تا خنک گردد» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۳).

بنابراین افراد باید از اقدام به هر عملی

که می تواند در رفتار جنسی ایشان اثر منفی بگذارد ولو نگاه کردن به یک عکس خودداری نماید. مقام معظم رهبری در پاسخ به یک استفتاء در خصوص نگاه به زنان بی حجاب به منظور نهی از منکر چنین فرموده اند: «نگاه اول اگر بدون قصد باشد اشکال ندارد، ولی نگاه عمدی به غیر از صورت و دست‌ها تا مچ‌ها جایز نیست هر چند به قصد امر به معروف باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹: ۲۳۳).

۶- نهی از منکر

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۴)؛ «باید که از میان شما گروهی باشند که به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. اینان رستگار اند».

«يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (سوره لقمان، آیه ۱۷)؛ «ای پسرک من، نماز بگزار، و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر هر چه بر تو رسد صبر کن که این از کارهایی است که نباید سهلش انگاشت».

بر هر زن و مرد مسلمان لازم است به منظور حفظ شهروندان از کوتاهی در انجام فرائض دینی و گرفتار شدن در منجلاب گناه ایشان را در قالب امر به معروف و نهی از منکر آگاهی بخشند. بدیهی است فریضه امر به معروف چون بر آموزش جامعه به عنوان یک نهضت همگانی و واجب کفایی جهت آشنایی با وظایف دینی تکیه دارد از مصادیق پیشگیری اجتماعی محسوب می گردد و حتی نهی از منکر نیز چنانچه به عنوان آموزش مردم و آگاه سازی ایشان نسبت به رفتارهای ناپسند و مجرمانه باشد از

مصادیق این نوع پیشگیری به شمار می‌آید؛ اما زمانی که به عنوان یک راهکار به منظور بازداشتن مجرم از ارتکاب جرم در آستانه رفتار مجرمانه مطرح می‌گردد از مصادیق پیشگیری وضعی محسوب می‌شود. این مقاله به دنبال بیان احکام امر به معروف و نهی از منکر نبوده و به این مسئله مهم اشاره

دارد که از منظر اسلام یکی از راهکارها در پیشگیری وضعی از وقوع جرایم جنسی حساسیت اجتماع در برخورد همگانی با منکرات و ترک واجبات است.

برآمد

دورماندن از فحشا و منکرات یکی از راهکارهای پیشگیری وضعی قلمداد می‌گردد. با توجه به وجود پایگاه مشروع روابط جنسی در زن و مرد گرایش این دو جنس نسبت به یکدیگر بالاست و به دلیل بالا بودن جذب در جنس مخالف نسبت به یکدیگر نزدیک شدن به رفتار تحریک آمیز می‌تواند انسان را به ورطه سقوط جنسی بکشانند. بنا بر آنچه گفته شد اسلام زن و مرد را از نزدیک شدن به فحشا و منکرات بر حذر داشته است.

از نظر اکثر فقها خلوت کردن دو جنس مخالف در مکانی که شخص دیگر نمی‌تواند وارد شود حرام است و ارتباط مستقیم زن و مرد و اختلاط ایشان می‌تواند موجب فساد اخلاقی گردد. اقامه نماز موجب دوری انسان از فحشا و منکرات می‌گردد و هر اندازه توجه انسان به نماز بیشتر و تأثیر آن در رفتار انسان ماندگارتر باشد فاصله او از فحشا و منکرات بیشتر است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- «و لا تقربوا الزنی، نهی عن مقاربتہ بالمقدمات، کالعزم، والنظر و شبهه»
- ۲- «يقول تعالى ناهياً عباده عن الزنا و عن مقاربتہ و مخالطہ اسبابه و دواعیه»
- ۳- «و كثيراً ما يرد الفاحشه بمعنى الزنا و يسمی الزنا فاحشه»
- ۴- «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»
- ۵- «... قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ایما امراه استعطرت ثم خرجت فمرت علی قوم لیجدوا ریحها فہی زانیہ...»
- ۶- «وکل عین زانیہ»
- ۷- «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِيقٌ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا، إِلَّا الْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ»
- ۸- «وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوحِهِمْ حَافِظُونَ»
- ۹- «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا»
- ۱۰- «وَرَبِّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، مترجم، عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۷۴
- ۲- نهج الفصاحه، مترجم، مظاهری، علی اکبر، قم، نشر قدسیان، چاپ سوم، ۱۳۸۹
- منابع فارسی (یا ترجمه شده)
- ۳- اراکی، محمد علی، توضیح المسائل، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲
- ۴- اشتیانی، میرزا احمد، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، تهران، کتابخانه صدوق، چاپ سوم، ۱۳۶۲
- ۵- بنی هاشمی خمینی، سیدمحمد حسن، توضیح المسائل مراجع
- عظام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۳
- ۶- حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطیفی، چاپ اول، ۱۴۰۴
- ۷- خامنه ای، سید علی، رساله اجوبه الاستفتائات، تهران، پیام عدالت، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، مشهد، بنیان پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۷
- ۹- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸
- ۱۰- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ ششم، ۱۳۹۰
- ۱۱- مکارم شیرازی و غیره، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ یازدهم، ۱۳۷۱
- ۱۲- موسوی خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل، تهران، چاپ انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۸
- ۱۳- موسوی همدانی، سیدمحمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴
- منابع عربی
- ۱۴- ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره، ناشر دکتر حسن عباس زکی، ۱۴۱۹
- ۱۵- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، بی‌تا
- ۱۶- اسماعیل بن عمرو (ابن کثیر دمشقی)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت، ناشر دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۹
- ۱۷- طبرسی، فضل بن حسن، الآداب الدینیة للخرانہ المعینیة، مترجم احمد عابدی، قم، نشر زائر، چاپ اول، ۱۳۸۰